



تعامل و تقابل تاریخی اسلام و مسیحیت در غرب

اسلام در حال حاضر بزرگترین دین اروپا بعد از مسیحیت است که این حقیقت باعث می شود اسلام یک دین اروپایی باشد اما این کشورها سیاست های متفاوتی را در قبال اسلام و مهاجرین اتخاذ کرده اند.

اسلام در حال حاضر بزرگترین دین اروپا بعد از مسیحیت است که این حقیقت باعث می شود اسلام یک دین اروپایی باشد اما این کشورها سیاست های متفاوتی را در قبال اسلام و مهاجرین اتخاذ کرده اند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر با عنوان «تعامل و تقابل تاریخی اسلام و مسیحیت در غرب»؛ سخنرانی ایوان یازیک حداد است که توسط محمدرضا حضوربخش، دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی، پژوهشگر گروه مطالعات راهبردی مجمع جهانی اهل بیت(ع) ترجمه شده است.

خانم ایوان یازیک حداد^۱، استاد رشته تاریخ اسلام و ارتباطات اسلام و مسیحیت در دانشگاه جرج تاون آمریکاست. یکی از زمینه های پژوهشی مورد علاقه او اسلام در غرب است و به همین خاطر در سالیان اخیر، بیشتر توجه خود را به مسئله مسلمانان در غرب و جنبش های انقلابی اسلامی معطوف کرد. او در همین زمینه تألیفات بسیاری دارد، تا جایی که در زمینه مطالعات مسلمانان در آمریکا در بالاترین رتبه جای گرفته و به عنوان بهترین مفسر تجربه اسلامی در ایالات متحده آمریکا معرفی شده است. متن زیر ترجمه سخنرانی علمی وی در مرکز الحوار واشنگتن درباره کیفیت ارتباط مسلمانان و مسیحیان در طول تاریخ تا به امروز است.

دکتر حداد، تاریخ ارتباطات اسلام و مسیحیت را با یک واکاری تاریخی مد نظر قرار می دهد. از نظر او، اسلام از همان ابتدا در قلمرو مسیحیت گسترش پیدا کرد. اولین برخورد اسلام با بیزانسی ها^۲ بود که مسلمانان را به عنوان مسیحیان کژاندیش تلقی می کردند. بیزانسی ها در حدود پنج قرن به مبارزه علیه نسطوری ها^۳، آریایی ها^۴ و هر نوع مسیحیت ارتدادآمیز پرداختند. اسلام از نظر آنها یکی دیگر از این فرقه ها بود. این رویکرد باعث شد تا از همان ابتدا، مسیحیت رویکرد خاصی در مواجهه با اسلام داشته باشد.

دومین تلاقی اسلام و مسیحیت، برای کلیسای کاتولیک اروپا این بار حتی خونین تر اتفاق افتاد؛ چرا که صلیبیان هنگامی که به شرق آمدند، هیچ علاقه ای به گفتگو و تعامل از خود نشان ندادند. آنها تنها به فکر به دست آوردن اموال بیشتر، کسب مستعمرات وسیع تر و به کنترل درآوردن مناطق گسترده تر بودند. با کشتن همه حتی مسیحیان شرقی (به جز افرادی که با آنها همکاری می کردند) در انطاکیه و اورشلیم آنها به مقاصد خود رسیدند و قتل عام بزرگی را مرتکب شدند و در نهایت قسطنطنیه را به تاراج بردند.

برخورد دیگر میان کلیسای کاتولیک و اسلام که البته بنیادی و اساسی بود و کماکان پیامدهای آن را شاهد هستیم، در اسپانیا و با مسیحیان جنبش استرداد^۵ بود. در آن دوره، مسلمانان سه گزینه بیشتر نداشتند؛ تغییر دین، جلای وطن و یا مرگ. بسیاری از آنها آهنگ عزیمت نواختند، برخی هم دین خود را تغییر داده و برخی نیز تنها با رعایت تقیه در ظاهر فقط نشان دادند که مسیحی شده اند.

دکتر حداد به نقل از مقاله ای در مورد گروهی از دانشجویان مسلمان می گوید که آنها مسجدی را در اسپانیا افتتاح کردند. زمانی که برای اولین بار از مسجد اذان پخش شد، چند صد نفر از خیابان ها مجاور برای عبادت ملحق شدند- آنها در حدود ۵۰۰ سال (از سال ۱۴۹۲ که دولت اسلامی در جزیره ایبریا پایان پذیرفت) به طور مخفیانه به اسلام پایبند مانده بودند!

بعد از سقوط اسپانیای اسلامی و آغاز گسترش امپراطوری اسپانیا و پرتغال، دوره قدرت اروپا نیز به تدریج آغاز شد که به دنبال دست یابی به کشورهای اسلامی و کنترل اقتصاد آنها از طرق مختلف بود.

سومین مواجهه میان مسلمانان و مسیحیان در قرون نوزده و بیست با رشد پروتستانتیسم رخ داد. مبلغین مسیحی به جای قتل و غارت، بیشتر توجه خود را به قانع کردن مسلمانان و تغییر دین آنها معطوف کردند. اگرچه آنها نیز با این وجود، کسی حتی مسیحیان عرب را در شرق در حد خود نمی پنداشتند. در این دوره مسیحیان بر این باور بودند که حقیقت را صرفاً در مسیحیت می توان جستجو کرد و همه باید همانند آنها بیاندیشند. حتی اگر مردم با تغییر مذهب موافقت

می‌­ کردند، به خاطر تبعیضات نژادی و قومی از جایگاه یکسانی برخوردار نبودند.

آنچه از تاریخ تبیین شد، به پیامدهای عصر امروز انجامیده است. دکتر حداد، دوران معاصر را عهد یهودی - مسیحی می‌­ نامد که البته به زعم خود او هنوز باید به دنبال اصطلاح بهتری برای توصیف این عهد باشیم. این دوران با تسلط ایالات متحده پیوند خورده است که به نوعی به طور علنی ضد مسلمانان است؛ اگرچه بیانیه های رسمی وزارت خارجه این کشور، اسلام را به عنوان یک دین رسمی می پذیرد. (اما این دین تنها دینی است که اگرچه مورد قبول آمریکا است اما در عین حال این کشور سعی در تجزیه آن دارد.) مضاف به اینکه، آمریکا سیاست خاصی را در قبال اسلام دنبال می‌­ کند و میان مسلمانان معتدل و افراطی و غیره تفکیک قائل می‌­ شود.

حداد هشدار می‌­ دهد که ما باید نسبت به سیاستهایی که از طرف دولت آمریکا اتخاذ می‌­ شود کاملاً هوشیار باشیم؛ سیاست می‌­ هایی مثل اعمال محدودیت نسبت به مهاجرت مردم از جهان عرب، به خصوص مسلمانان، ممانعت از ورود اعراب یا بازجویی در فرودگاه می‌­ ها و غیره. حداد جامعه مسلمانان را ترغیب می‌­ کند تا با سناتورها و نمایندگان مجلس مسئله را در میان بگذارند و غیر قابل قبول بودن چنین سیاست هایی را گوشزد کنند.

مسئله دیگر که اخیراً پدید آمده، وضعیت نابسامان مسیحیان در خاورمیانه است. دولت اسرائیل مطالعه می‌­ ای را منتشر کرد که طی آن مدعی بود مسیحیان در حال ترک فلسطین هستند. اسرائیلی می‌­ ها اعلام کردند که مسیحیان به دلیل نارضایتی از مدیریت فلسطینیان در سالهای اخیر این منطقه را بدرود گفته می‌­ اند و عجیب اینکه این مطالعه هیچ ارتباطی میان آزارهایی که مسیحیان در مدت چند دهه حکومت اسرائیلی می‌­ ها کشیده می‌­ اند و ترک اسرائیل نمی‌­ بیند. آزارهایی مثل محرومیت از مالکیت، غصب خانه می‌­ ها و منازل، بیکاری و ممانعت از تحصیل و غیره...

هنگامی که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اورشلیم را به کنترل در آورد، در حدود ۲۸۰۰۰ مسیحی عرب در این شهر زندگی می‌­ کردند. امروز این تعداد به کمتر از ۴۰۰۰ نفر کاهش پیدا کرده است. اسرائیل قصد دارد تا با استفاده از افول جمعیت مسیحیان، مسلمانان را مقصر جلوه دهد. حداد اضافه می‌­ کند که نباید از این نکته غفلت کرد که روزنامه می‌­ نگاران آمریکایی که سهم بزرگی در خلق این داستان دارند، صراحتاً در صف مقدم حمله به مسلمانان مشارکت می‌­ کنند.

علاوه بر مسئله مسیحیان فلسطینی، مسئله مسیحیان لبنانی و مسیحیان قبطی در مصر نیز مورد سوء استفاده قرار گرفته است؛ اگرچه وضعیت آنها بسیار متفاوت است. مسیحیان لبنانی از یک جنگ داخلی که در آن مغلوب شدند، به تازگی رهایی یافته می‌­ اند و در حال تجربه حس عمیق سرافکندگی و از دست دادن سیطره گذشته هستند و البته این حس درونی با نظام جدید هیچ ارتباطی ندارد. برخی مردم به دنبال دستکاری اوضاع برای القاء این حس هستند که مسیحیان و مسلمانان توان زندگی مسالمت می‌­ آمیز را ندارند. مسئله قبطی ها نیز به اوایل دهه ۱۹۷۰ باز می‌­ گردد که انور سادات تصمیم گرفت برای جلب نظر اخوان المسلمین، قبطی می‌­ ها را تحت فشار قرار دهد. قبطی می‌­ ها مسائل عدیده می‌­ ای دارند که خواستار توجه بیشتر به آنها هستند و البته یک گروه فعال در آمریکا از هیجانات به وجود آمده طرفداری می‌­ کند.

باید دانست که درصد قابل توجهی از نفرت علیه اسلام در میان احزاب راست می‌­ گرای مسیحی به چشم می‌­ خورد. بعد از جنگ ۱۹۶۷ این مسیحیان از نظر دینی و اعتقادی مسلمانان را ضد مسیحی یا همان دجال پنداشتند که به دنبال انشقاق نهایی یهودیان هستند. اگرچه خوشبختانه گروهی از مسیحیان تبشیری هستند که از فلسطینی ها طرفداری می‌­ کنند و از سفرهای مسیحیان تبشیری به سرزمین مقدس حمایت می‌­ کنند تا اینکه آنها به چشم خود شاهد اتفاقات آن منطقه باشند.

کلیساهای چپ می‌­ گرا، که در واقع کلیساهای شورای ملی کلیساها هستند، موضع اندک متفاوتی دارند. آنها همواره از راه حل دو ملتی و ایجاد پایتخت عربی در اورشلیم پشتیبانی می‌­ کنند. اگرچه برخی از آنها کمی دچار تحول شده و تحت تأثیر احساس تقصیر در مسئله هولوکاست، از مواضع قبلی خود فاصله گرفتند. حداد قائل است که این اتفاق باید به صورت جدی دنبال شود چرا که یک تغییر بنیادین در اعتقادات کل آنها رقم زده است. او حتی برخی از آنها را مبلغ مسیحی نمی‌­ داند، بلکه مبلغ آموزه هولوکاستی ۷ معرفی می‌­ کند.

این نکته بسیار مهمی است چرا که آنچه از نظر آنها حتی از نظر تاریخی برای مسیحیت یک بزرگناه است، نه تجسد

مسیح و نه رستخیز او بلکه هولوکاست است. حداد در مباحثاتی که با برخی از آنها داشته است همواره این سوال را مطرح می‌کند که چرا ژاپنی‌ها، چینی‌ها و یا آفریقایی‌ها باید مسئولیت نفرت اروپاییان از یهودیان را بپردازند. پاسخ همیشگی آنها این است: همه مقصر هستند!

این نوع الاهیات به طور طبیعی از الگوی سنتی کلام مسیحی یعنی اعتقاد به مرگ و رستخیز بهره‌مند می‌باشد؛ اما به سمت نظام جدید، یعنی هولوکاست و رستخیز دولت اسرائیل در حرکت است. دولت اسرائیل، بنابراین، برای هویت این دسته از مسیحیان یک مسئله حیاتی است و بقاء این دولت، برای رستگاری مسیحیان ضروری است، چرا که بدون آن رستگاری وجود ندارد.

حداد بیان می‌کند که این ایدئولوژی ارتدادآمیز است چرا که اگر شخصی الاهیات مسیحی را در طول تاریخ ملاحظه کند، وجود چنین آموزه‌ای را مردود می‌داند. با این وجود، امروزه برخی مدارس دینی مسیحی وجود دارند که یک چنین نظام الاهیاتی را آموزش می‌دهند. این جز به افزایش تنش میان مسیحیان و مسلمانان نمی‌انجامد.

مهاجرت مسلمانان به غرب این مسئله را پیچیده‌تر کرده است. از یک سو، می‌توان قضیه را ساده‌انگارانه مد نظر قرار داد که به طور کلی عده‌ها، ای از مردم به علل مختلف (آزادی‌های دینی و سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و غیره...) به اروپا مهاجرت می‌کنند اما از سوی دیگر، به خاطر یکسری دلایل، به طور ناگهانی سراسر اروپا از گسیل مهاجرت مسلمانان دچار وحشت می‌شود تا حدی که کشورهای اروپایی حتی تصمیم می‌گیرند تا ترکیه را از لیست انتظار برای الحاق به اتحادیه اروپا حذف کنند.

اسلام در حال حاضر بزرگترین دین اروپا بعد از مسیحیت است که این حقیقت باعث می‌شود اسلام یک دین اروپایی باشد حال چه آنها علاقه داشته باشند یا خیر. اما این کشورها سیاست‌های متفاوتی را در قبال اسلام و مهاجرین اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال، آلمان، اتریش، و سوئیس امتیاز شهروندی را به مهاجرین نمی‌دهند حتی اگر فرزندان آنها در آن کشور به دنیا آمده باشند. آنها همواره به عنوان یک کارگر مهمان که یک روز باید این کشور را ترک کنند، به حساب می‌آیند. هلند نیز همین سیاست را دنبال کرد تا اینکه بهترین راه حل را در سامان بخشیدن به مهاجران دید. بنابراین احداث مساجد و پذیرش امامان را به هزینه‌های دولتی در دستور کار قرار داد. اما به جای تدریس زبان عربی، زبان دین اسلام، به آنها زبان ترکی و تاریخ ترکی آموختند! تمام این اتفاقات به هدف هویت بخشی جدید به آنها بود (هویت ترکی) و تا اینکه در نهایت با هویت جدید به کشور خود بازگردند. سپس آنها امامان مراکشی را با همین هدف وارد کردند.

در حال حاضر، سیاستمداران هلندی متوجه شدند که مهاجرین به کشورهای خود بازمی‌گردند، بنابراین تلاش می‌کنند تا با ترغیب مسلمانان برای تشکیل یک روال اداری اسلامی و اولویت بخشی این چینی که قابل تدبیر و انعطاف‌پذیر باشد، آنها را در کشور خود حفظ کنند. با حضور مسلمانان، برخی از مسیحیان در حال بازیابی دین خود هستند اما در عین حال هویت مسیحی را در مقابل هویت اسلامی قرار می‌دهند. دو دغدغه‌ای که اروپاییان و آمریکایی‌ها عمیقاً نسبت به آنها ملاحظه دارند به ترتیب امنیت و فرهنگ هستند. امنیت هم شامل امنیت جامعه اقلیت مسلمانان در غرب می‌شود و هم امنیت کشورهایی که در مسلمانان در آن زندگی می‌کنند را دربرمی‌گیرد.

مسئله فرهنگ نیز بسیار جالب و قابل توجه است. به دلیل اینکه مسلمانان و جوامع غربی از آن به عنوان راهی برای شناخت دیگری استفاده می‌کنند. پرفسور حداد، از یک گزارشگر روزنامه نیویورک تایمز خاطره‌ای را نقل می‌کند که طی یک همکاری قرار شده بود مقاله‌ها، ای تحت عنوان مسلمانان در آمریکا در چندین شماره چاپ شود. در حین صحبت، آن گزارشگر به تناوب از این عبارت استفاده می‌کرد: آنها به این جا تعلق ندارند. چرا آنها به جایی که از آن آمده‌اند باز نمی‌گردند؟ حداد می‌گوید: از او پرسیدم چرا آنها به اینجا تعلق ندارند که او پاسخ داد: آنها ارزش‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند. حداد از او توضیح بیشتری می‌خواهد. آن گزارشگر بیان می‌کند که مثلاً مسلمانان الکل و شراب نمی‌نوشند، آنها به ارتباط جنسی قبل از ازدواج و یا هم جنس‌گرایی اعتقاد ندارند. حداد، خود بازگو می‌کند، که در پاسخ به این نکته اشاره کرده است که بسیاری از مسیحیان و حتی یهودیان نیز چنین اعتقاداتی دارند پس از نظر شما چه سیاستی را باید در قبال آنها در دستور کار قرار داد؟ بالاخره بعد از کمی گفتگو، آن گزارشگر پذیرفت که هنگامی که یهودیان در دهه ۱۹۲۰ نیز وارد آمریکا شدند، نیویورک تایمز مقاله‌ای را به چاپ رساند که طی آن مدعی شده بود این گروه به آمریکا تعلق ندارند چرا که ارزش‌های متفاوتی تبعیت می‌کنند. در نتیجه، این گفتگو، آن گزارشگر به این نتیجه رسید که به

راحتی می‌شود؛ توان از فرهنگ برای منزه کردن گروه‌های مختلف استفاده کرد و بر چسب دیگری بودن و به اینجا تعلق نداشتن را به آنها زد.

مسلمانان نیز از فرهنگ برای متمایز کردن خود استفاده می‌کنند. بسیاری از مسلمانان، با آگاهی، در حال بازآفرینی اسلام هستند به این معنا که اسلام را در سبک پوشش و نحوه رفتار خلاصه می‌کنند. برای برخی، اسلام، بیشتر یک امر فرهنگی است تا یک نظام الهیاتی و عقیدتی. اسلام در حفظ هویت از اهمیت خاصی برخوردار است اما در عین حال، توسط فرهنگ‌های میزبان به عنوان یک تهدید برای تغییر جامعه ارزیابی می‌گردد.

پی نوشتها:

۱. Yvonne Yazbeck Haddad

Lippy, Charles H. (۲۰۰۲). Pluralism Comes of Age: American Religious Culture in the Twentieth Century. ME. Sharpe. P. ۱۸۴.۲

۳. کلیسای اورتدکس یونانی

۴. شاخه‌ای از مسیحیت که به تبعیت از رهبر خود، نستوریوس، به تمایز جنبه بشری مسیح از جنبه الهی او معتقد هستند.

۵. Reconquista: جنبشی که با اوج گیری قدرت اروپاییان به خصوص اسپانیا و پرتغال برای بازپس‌گیری بخش مسلمان نشین اسپانیا و جزائر ایبریا شکل گرفت.

۶. Judeo-Christian

۷. Holocaustianity